

عنوان مقاله:

مطالعه ی بازتوزیع محسوسات در آثار ژان ژنه با تکیه بر آرای ژاک رانسیر - مطالعه ی موردی: نمایشنامه ی سیاهان

محل انتشار:

فصلنامه رهپویه هنرهای نمایشی، دوره 2، شماره 6 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 13

نویسندگان:

سارا بیتوتی - کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی، دانشکده هنر، دانشگاه سوره، تهران، ایران

محمد هاشمی - دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

خلاصه مقاله:

از هنگامی که نظریه پردازان مطالعه هنر را به عنوان حوزه ای مستقل آغاز کرده اند، آرای متعددی درباره نسبت هنر با زندگی واقعی به وجود آمده است که طیفی وسیع مابین خودآیینی هنر و دگرآیینی آن را شامل می شود. این نسبت به تعبیری نسبت بین امر محسوس و امر معقول است. بر اساس نظریات رانسیر، دسترسی به قلمروی معنا و انتقال پیام از طریق اثر هنری امکان پذیر نیست. چراکه معنا در ذهن هر کس و با ترجمه تجربه حسی ای که نظام توزیع محسوسات به او عرضه می کند، ساخته می شود. کارکرد این نظام اختصاص هویت ها، نقش ها و جایگاه ها به افراد است و مقابله با آن که به بازتوزیع محسوسات منجر می شود، سیاست ورزی نام دارد. رژیم استتیک روش تفکر و صورت بندی ویژه ای از هنر است که محسوسات هنری را به مثابه اسباب تفکر در نظر می گیرد. از منظر رانسیر، این رژیم از طریق بازتوزیع محسوسات با سیاست در ارتباط است و از همین طریق است که به رهایی مخاطب منجر می شود. در پژوهش پیش رو ابتدا تعریفی از رژیم های هنری اخلاقی، بازنمایی و استتیک از دیدگاه رانسیر ارائه خواهد شد. سپس رابطه بین استتیک و سیاست بیان می شود و این نسبت درباره تئاتر مورد واکاوی قرار می گیرد. در آخر به شیوه توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به داده های کتابخانه ای، بررسی می شود که نمایشنامه سیاهان اثر ژان ژنه در کدام یک از رژیم های هنری رانسیر قرار می گیرد. همان طور که نتایج پژوهش نشان می دهد، ژنه در این نمایشنامه با ایجاد شکاف در منطق اجماع، شکستن دوگانه پنداری های مرسوم، شکستن اصول بازنمایی و عرضه ابژه های نامعمول، به سیاست ورزی و بازتوزیع نقش ها و هویت ها می پردازد و بدین ترتیب می توان این نمایشنامه را متعلق به رژیم استتیک دانست. پژوهش پیش رو به شیوه ی توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به داده های کتابخانه ای، بررسی می کند که نمایشنامه ی «سیاهان» اثر ژان ژنه در کدام یک از رژیم های هنری رانسیر قرار می گیرد. همان طور که نتایج پژوهش نشان می دهد، ژنه در این نمایشنامه با شکستن اصول درام، عرضه ی ابژه های نامعمول، فراتر رفتن از چهارچوب منطق بازنماییانه و شکستن دوگانه پنداری های مرسوم، به سیاست ورزی و بازتوزیع نقش ها و هویت ها می پردازد و بدین ترتیب می توان این نمایشنامه را متعلق به رژیم زیبایی شناسی هنر دانست.

کلمات کلیدی:

ژاک رانسیر، ژان ژنه، سیاهان، سیاست رانسیری، زیبایی شناسی، توزیع امر محسوس

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2041975>

